

امام خامنه‌ای در دیدار مبلغان و طلاب حوزه‌های علمیه عنوان کردند

تبلیغ

اولویت اول حوزه

اگر در حوزه از اهمیت تبلیغ غفلت شود دچار استحاله فرهنگی می‌شویم. اینکه می‌گوییم «ما روی تبلیغ تکیه می‌کنیم»، بهانه نشود که بعضی‌ها بگویند بنابراین دیگر کفایه نمی‌خوانیم، درس خارج نمی‌رویم؛ نه، این پشتیبانی‌های علمی لازم است. هم به تبلیغ احتیاج داریم، هم به موعظه احتیاج داریم، هم به تحقیق احتیاج داریم؛ اگر تبلیغ ما متکی به تحقیق نباشد، خنثی و ابتر خواهد شد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، صبح چهارشنبه ۲۱ تیرماه در دیدار فضلا، طلاب و مبلغین حوزه‌های علمیه

تبلیغ دین و اهداف دینی را مهم‌ترین وظیفه حوزه‌ها خواندند و با اشاره به لوازم تبلیغ مؤثر و به‌روز

یعنی «شناخت مخاطب، شناخت آرایش حقیقی صحنه تبلیغات جهانی برای داشتن موضع تهاجمی و برخورداری از روحیه جهادی» تأکید کردند:

نسل نوجوان و جوان در مقام صاحبان و سازندگان آینده کشور، باید مرکز توجه تبلیغات خلاقانه و متکی بر شیوه‌ها و ابزارهای نوین باشد.

شده؛ از قول پیغمبران ﷺ تکرار شده: ﴿ما علينا الا البلاغ المبین﴾؛ از قول خدای متعال خطاب به پیغمبر ﷺ تکرار شده: ﴿فانما عليك البلاغ﴾؛ از همین ماده بلاغ، ﴿الذين يبلغون رسالات الله ويخشونه ولا يخشون احدا الا الله﴾^{*} (هم هست) ـ آیه‌ای که [قاری محترم] تلاوت کرد ـ و آیات متعدد دیگری هم در این زمینه هست: ﴿ابلغكم رسالات ربی﴾،^{*} ﴿بلغ ما انزل اليك من ربك﴾،^{*}

تعبیرات موازی و هم‌معنای با «بلاغ» هم در قرآن الی ماشاء الله [هست]؛ تبلیغ «دعوت» چقدر در قرآن تکرار [شده]؛ ﴿ادع الی سبیل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة﴾؛^{*} ﴿استجبوا لله وللرسول اذا دعاكم لما یحییكم﴾؛^{*} و همین‌طور آیات متعدد دیگری با تعبیر عنوان «دعوت». آیات متعدد فرائوان با عنوان «انذار و تبشیر»؛ ترساندن و بشارت دادن. همه این‌ها دعوت است دیگر، همه این‌ها تبلیغ است. سطح گسترده قرآن کریم را که شما نگاه کنید، می‌بینید تکیه روی تبلیغ است. اصلاً قرآن کریم، پیغمبران را مسئول تبلیغ می‌داند؛ ورئه پیغمبران چطور؟ ﴿ان العلماء ورثة الانبیاء﴾؛^{*} شماها هم که ورئه انبیا هستید، اش و اساس وظیفه شما عبارت است از تبلیغ؛ باید تبلیغ کنید؛ باید پیام دین را، پیام خدا را به دل‌ها و گوش‌ها برسانید؛ دل و گوش چه کسی؟ همه بشر. البته اولویت‌هایی وجود دارد؛ طبعاً جامعه خودتان اولویت بیشتری دارد. یک جاهایی اولویت دارد، یک جاهایی کمتر اولویت دارد؛ ولی باید به همه برسد. ما به اهمیت تبلیغ این‌جوری نگاه کنیم.

- سنت هزارساله تبلیغ در حوزه‌های علمیه**

لذاست که شما می‌بینید، در حوزه‌های علمیه از اول، از هزار سال پیش، سنت تبلیغ وجود داشت. البته من فرصت نکردم که یک قدری بیشتر

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، بیانات ایشان در دیدار مبلغان و طلاب حوزه‌های علمیه سراسر کشور بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمدلله رب العالمين والصلاة والسلام علی سیدنا و نبینا ابی‌القاسم المصطفی محمد وعلی آله الاطیبین الاطهرین المنتجبین سیمَا بقیة‌الله فی‌الارضین.

برای بنده خیلی شیرین و لذت‌بخش است، بودن در بین این جمع محترم و معزز از طلاب و فضلاء عزیز. همیشه یکی از آرزوهای ما همین بوده که در جمع حوزه و در جمع طلاب و مجموعه مسئولان قلبی و دلی دین در حوزه‌های علمیه تنفس کنیم، زندگی کنیم. من یک وقتی خدمت امام که به بنده تکلیف می‌کردند برای ریاست جمهوری دوره دوم، عرض کردم آقا! من می‌خواهم بعد از این دوره اول، بروم قم و آنجا بمانم. ایشان گفتند که من هم دلم می‌خواهد بروم قم؛ ولی خب نمی‌شود. این آرزوی ماست که بتوانیم در جمع شماها باشیم، با شما باشیم، با شما کار کنیم؛ شما برادران عزیز و خواهران عزیز طلبه جزو بهترین قشرهای مورد اعتماد هستید که انسان می‌تواند با خیال راحت با آنها کار کند، تلاش کند.

خب، مطالبی که جناب آقای اعرافی بیان کردند، مطالب بسیار خوبی بود. قبل از آمدن اینجا هم، داخل این راهرو، یک نمایشگاه‌گونه‌ای تنظیم کرده بودند و بعضی از فعالیت‌ها و کارها را در آن ذکر کردند که آنها هم برای من بسیار خرسندکننده بود. آن چیزی که به عنوان وظایف حوزه‌های علمیه اینجا گفته شد و در آن نمایشگاه تصویر شد، صد درصد مورد تأیید این حقیر است.

درباره حوزه و حوزویان خیلی حرف می‌شود زد؛ در جهت‌های مختلف می‌شود صحبت کرد. آن نقطه‌ای را که من امروز انتخاب کرده‌ام تا روی آن صحبت کنیم، مسئله تبلیغ است. واقعاً با اطلاعاتی که به من می‌رسد، از جهات مختلف، نسبت به تبلیغ نگرانم! بله، همه این فعالیت‌هایی که ذکر شده، بیان شده، گزارش شده، واقعی است، درست است، می‌دانیم؛ در عین حال نیاز ما بیش از این‌هاست! این قدر ظرفیت تبلیغ در این کشور انبوه و متراکم و گسترده است که اگر ما چندین برابر آن مقداری هم که کار می‌کنیم، کار کنیم، به‌نظم این ظرفیت پر نمی‌شود. هم به تبلیغ احتیاج داریم، هم به موعظه احتیاج داریم، هم به تحقیق احتیاج داریم؛ اگر تبلیغ ما متکی به تحقیق نباشد، خنثی و ابتر خواهد شد. حالا من یک مطلبی را در پایان عرایض عرض می‌کنم؛ لذا امروز من چند مطلب را درباره تبلیغ آماده کرده‌ام که به شما عزیزان عرض می‌کنم.

- عبور از نگاه رایج حوزه‌های علمیه**

امروز نگاه رایج در حوزه‌های علمیه این است که تبلیغ در مرتبه دوم قرار دارد. مرتبه اول چیزهای دیگر است [مانند] مقامات علمی و امثال این‌ها؛ «تبلیغ» در مرتبه دوم است. ما از این نگاه باید عبور کنیم. تبلیغ، مرتبه اول است؛ من این را می‌خواهم عرض بکنم. چرا این را می‌گوییم؟ برای اینکه ما هدف دین را چه می‌دانیم؟ دین خدا آمده است، با ما انسان‌ها چه بکند؟ خب یک هدف نهایی داریم که عبارت است از اینکه ما را در مسیر خلیفهٔ‌اللهی، در مسیر انسان کامل ارتقاء بدهد، بالا ببرد ـ حالا هرچه ظرفیت داشته باشیم ـ این هدف نهایی دین است. هدف‌های میانی و ابتدائی هم وجود دارد؛ مثلاً اقامه قسط: ﴿لیقوم الناس بالقسط﴾^۱؛ یا تشکیل نظام اسلامی: ﴿وما ارسلنا من رسول الا لیطاع باذن الله﴾^۲؛ مرکز اطاعت، دین است؛ این یعنی تشکیل نظام اسلامی؛ این جزو اهداف دین است؛ هدف میانی است. یا فرض کنید که اقامه معروف، اشاعه معروف، ازاله منکر، ترویج کلم طیب و عمل صالح: ﴿الیه یصعد الکلم الطیب والعلم الصالح پیرعه﴾^۳. خب این‌ها اهداف دین است؛ هرکدام از این‌ها را که شما نگاه کنید، وسیله و ابزار رسیدن به آن تبلیغ است؛ بدون تبلیغ نمی‌شود. حالا بله یک وقتی استثناً یک نفری با یک اشاره الهی، یک نوری در دلش وارد بشود، آن یک حرف دیگر است، یک چیز استثناست؛ اما دین خدا با این هدف‌ها و امثال این هدف‌ها برای مردم، جز با تبلیغ تحقق پیدا نمی‌کند؛ پس تبلیغ شد مرتبه اول، درجه اول؛ لذا شما در قرآن می‌بینید روی مسئله تبلیغ تکیه شده.

- تبلیغ، ابعاد وظایف آن در قرآن و روایات**

من برای همین صحبت حالا. به همین فهرست‌های قرآنی مراجعه کردم؛ کلمه «بلاغ» یا «بلاغ‌مبین» در قرآن حدود دوازده سیزده جا آمده. «بلاغ‌مبین»؛ یعنی آن رساندنی که جای شبهه‌ای باقی نگذارد: ﴿وما علينا الا البلاغ المبین﴾^۴؛ باید جای شبهه باقی نگذارد. بلاغ، [یعنی] رساندن، رساندن پیام به گوش‌ها و به دل‌ها؛ این در قرآن بارها تکرار شده؛ دوازده سیزده مورد تکرار



بنده مجال نکردم [ببینم]؛ دلم می‌خواست اگر بتوانم، مراجعه کنم؛ اما مثلاً همین ملاحسین کاشفی سبزواری در قرن نهم و دهم یا مثلاً واعظ قزوینی در قرن دهم ـ که شاعر بزرگی هم هست ـ در ذهن من [این جور] هست که این‌ها اهل منبر بودند و می‌رفتند صحبت می‌کردند و از آن وقت‌ها این سنت منبر وجود داشت؛ ملاحسین کاشفی صاحب روضه‌الشهادست و ما که روضه‌خوانی می‌کنیم، در واقع گرفته‌شده از کتاب آن بزرگوار است و همچنین بعداً علمای بزرگی مثل شیخ جعفر شوشتری رحمه‌الله [اهل منبر بودند]. شیخ جعفر شوشتری معروف به وعظ است؛ ملاست، فقیه بزرگی است؛ اما خب اهل منبر بوده که البته با شیخ جعفر کاشف‌الغطاء رحمه‌الله اشتباه نشود. با مرحوم حاج‌آقا رضای همدانی واعظ، ملای بزرگ ـ که باز با حاج‌آقا رضای همدانی صاحب مصباح الفقیه اشتباه نشود؛ اوکس دیگری است ـ صاحب هدیه‌النملة الی رئیس‌الملة، واعظ بوده است. در زمان خود ما، مرحوم آمیرزا ابوالحسن قزوینی فیلسوف که امام رحمه‌الله در دوره جوانی‌اش، پیش ایشان یک مقدار فلسفه خوانده بود، ملای بزرگی بود. ایشان را خود من دیده بودم. در همین مسجد جامع تهران، در یک شبستانی نماز می‌خواند، منبر می‌رفت و مردم می‌نشستند منبر ایشان را گوش می‌کردند. قبل از ایشان، مرحوم شاه‌آبادی، استاد امام ـ که خب ما ایشان را درک نکردیم ـ در همین مسجد جامع منبر می‌رفتند. این‌ها کسر شأن نمی‌دانستند منبر رفتن را. در مشهد خود ما، مرحوم حاج میرزااحسین سبزواری، مرحوم حاج‌آقا حسن قمی رحمه‌الله، منبر می‌رفتند؛ یعنی سنت تبلیغ، حالا چه به‌شکل نگارش، چه به‌شکل منبر رفتن، چه به‌شکل شعر گفتن، در حوزه‌های علمیه وجود داشته؛ این، اهمیت این را نشان می‌دهد.

- ضرورت امر تبلیغ در عصر حاضر**

خب، حالا عرض کردیم، اولویت حوزه‌ها تبلیغ است. در همه دوره‌ها این‌جور بوده؛ اما در دوره ما بالخصوص این اهمیت مضاعف است؛ برای اینکه در دوره ما یک اتفاقی افتاده است که در طول بیش از هزار سال از صدر اسلام چنین اتفاقی نیفتاده بود و آن، حاکمیت اسلام بود. سازمان سیاسی مدیریت کشور در شکل محتوای اسلامی سابقه ندارد. وقتی که یک چنین وضعی هست، طبعاً دشمنی‌ها با اسلام شدت پیدا می‌کند که حالا می‌دانید و می‌بینید و مشاهده می‌کنید. این قدر هم این دشمنی‌ها زیاد شده که اصلاً همه ما عادت کرده‌ایم و انواع و اقسام دشمنی‌های دشمن، خیلی به چشممان نمی‌آید. خب، پس تبلیغ در دوره ما اهمیت مضاعف پیدا می‌کند؛ هم از جهت اینکه در نظام اسلاری پایه و قوام نظام، مردمند، ایمان مردم است و اگر چنانچه ایمان مردم نباشد، نظام نخواهد بود ـ فرمودند: حفظ نظام از اوجب واجبات است؛^۱ گاهی انسان فکر می‌کند که اوجب واجبات است؛ پس حفظ ایمان مردم می‌شود واجب؛

تبلیغ از این جهت اهمیت مضاعف پیدا می‌کند ـ ثانیاً از این جهت که دوره، دوره تطوّر^۲ علمی است. امروز انواع و اقسام شیوه‌های پرانکندن پیام وجود دارد که در گذشته حتی فکرش را هم نمی‌کردند؛ از تلویزیون و ماهواره بگیرید تا اینترنت و پسااینترنت؛ این چیزهای جدیدی که پیش آمده، هوش مصنوعی و امثال این‌ها. حالا چیزهای دیگر هم در راه است.

- استحاله فرهنگی، پیامد غفلت حوزه درامر تبلیغ**

خب، با یک چنین شرایطی، با یک چنین وضعیتی که در دست دشمن شمشیرهای آخته^۳ [برای خون‌ریزی وجود دارد، ما چه کار می‌خواهیم بکنیم؟ تبلیغ، اینجا اهمیت مضاعف پیدا می‌کند. امروز، هم سخت‌افزارهای مخالف، معارض و معاند تطوّر پیدا کرده، پیشرفت پیدا کرده که اشاره کردم، هم نرم‌افزارها؛ شیوه‌های باورپذیر کردن پیام را ـ چیزهایی که در گذشته، هیچ‌کس بلد نبود ـ با پشتیبانی علمی روان‌شناسی و امثال این‌ها رایج کردند؛ این‌ها ابزارهای نرم‌افزاری است، این‌ها خیلی مهم است. جوری حرف می‌زند، جوری فیلم درست می‌کند، جوری صحنه‌سازی می‌کند، جوری در روزنامه تیر می‌زند که کسی که ملاحظه می‌کند، تردید نمی‌کند که این درست است؛ درحالی‌که صد درصد غلط است. ما امروز با این‌ها مواجهیم. اگر از این چیزها غفلت کردیم، اگر امروز حوزه علمیه از اهمیت تبلیغ و حساسیت تبلیغ و مضاعف بودن وظیفه تبلیغ غفلت بکند، دچار عارضه‌ای می‌شویم که جبران‌ش به‌آسانی ممکن نیست؛ نمی‌گویم محال است؛ اما به‌آسانی ممکن [نیست] و دچار استحاله فرهنگی می‌شویم. اگر خدای نکرده استحاله فرهنگی پیش بیاید، درست کردنش، جبران کردنش دیگر کار یک ذره و دو ذره نیست. امام در یک مواردی مکرر می‌فرمودند که اگر چنین اتفاقی بیفتد، اسلام یک سیلی‌ای خواهد خورد که تا سال‌های متمادی، اثرش بر روی او باقی خواهد ماند؛^۴ قضیه این است.

ادامه در صفحه بعد

فحص کنم و مراجعه [کنم] ـ یعنی وقت نکردم مراجعه کنم ـ آن مقداری که حالا در ذهن من بود، فرض کنید از زمان مثلاًشیخ صدوق، این کتاب‌های متعدد شیخ صدوق رحمه‌الله همه تبلیغات است؛ امالی تبلیغ است، خصال تبلیغ است، عیون اخبارالرضا رحمه‌الله تبلیغ است؛ همه این‌ها تبلیغات است. فقط هم تبلیغ مذهب نیست؛ تبلیغ اخلاق است، تبلیغ دین است، تبلیغ توحید است؛ همین‌هایی که ما باید انجام بدهیم. تعدادی از رساله‌های شیخ مفید رحمه‌الله در جواب سؤالات بلاد مختلف ـ که این‌ها چند سال پیش در کنگره شیخ مفید^۵ چاپ شد ـ تبلیغات است. شیخ طوسی رحمه‌الله، در کنار آن فقه عمیق عریق آن چنانی، امالی دارد؛ امالی شیخ، تبلیغ است، امالی سیدمرتضی رحمه‌الله، تبلیغ است. عرض کردم، حالا من مجال نکردم، مراجعه کنم ببینم ـ شماها بیشتر وقت دارید و بیشتر حوصله دارید [می‌توانید مراجعه کنید] ـ که در قرون بعدی در حوزه‌های علمیه، تبلیغ چه جوری انجام می‌گرفته؛ لکن مثلاً در قرون اخیر، مجلسی رحمه‌الله ـ مجلسی آدم باعظمتی است؛ مجلسی را دست‌کم نباید گرفت، خیلی آدم باعظمتی است ـ در کنار کتاب بحار و کتب متعددی که ایشان در مسئله حدیث و تبیین حدیث و بیان حدیث و مانند این‌ها دارد، مثلاً کتاب حق‌الیقین و حیات‌القلوب که کتاب‌های فارسی [است، دارد]؛ این‌ها برای چیست؟ تبلیغ است دیگر. مرحوم نراقی [هم] کتاب فارسی دارد، بعدها هم البته بوده که حالا مواردی در ذهنم هست؛ مثلاًفرض کنید تفسیر منهج‌الصادقین^۶ و امثال این‌ها فارسی است؛ فارسی برای چیست؟ فارسی برای علما و فضلا و مانند این‌ها نیست؛ تبلیغ است برای آحاد مردم؛ یعنی علما به سنت تبلیغ اهمیت می‌دادند. حالا این را هم که منبر و شکل تبلیغی منبر از کی بوده،

اولویت حوزه‌ها تبلیغ است. در همه دوره‌ها این‌جور بوده؛ اما در دوره ما بالخصوص این اهمیت مضاعف است؛

برای اینکه در دوره ما یک اتفاقی افتاده است که در طول بیش از هزار سال از صدر اسلام چنین اتفاقی نیفتاده بود و آن، حاکمیت اسلام بود.

تشکیل سازمان سیاسی مدیریت کشور در شکل محتوای اسلامی سابقه ندارد. وقتی که یک چنین وضعی هست، طبعاً دشمنی‌ها با اسلام

شدت پیدا می‌کند که حالا می‌دانید و می‌بینید و مشاهده می‌کنید. این قدر هم این دشمنی‌ها زیاد شده که اصلاً همه ما عادت کرده‌ایم

و انواع و اقسام دشمنی‌های دشمن، خیلی به چشممان فی‌آید. خب، پس تبلیغ در دوره ما اهمیت مضاعف پیدا می‌کند؛

هم از جهت اینکه در نظام اسلامی پایه و قوام نظام، مردمند، ایمان مردم است و اگر چنانچه ایمان مردم نباشد، نظام نخواهد بود ـ فرمودند:

حفظ نظام از اوجب واجبات است؛ گاهی انسان فکر می‌کند که اوجب واجبات است؛ پس حفظ ایمان مردم می‌شود واجب؛

تبلیغ از این جهت اهمیت مضاعف پیدا می‌کند ـ ثانیاً از این جهت که دوره، دوره تطوّر علمی است.

امروز انواع و اقسام شیوه‌های پرانکدن پیام وجود دارد که در گذشته حتی فکرش را هم نمی‌کردند؛

از تلویزیون و ماهواره بگیرید تا اینترنت و پسااینترنت؛ این چیزهای جدیدی که پیش آمده، هوش مصنوعی و امثال این‌ها.

